

## منافع متقابل ایران و بریکس



با پذیرش عضویت ایران در گروه بریکس، ایران گام مهم دیگری نسبت به گام های قبلی خود در راستای تقویت اقتصاد و موقعیت سیاسی خود در جهان را برداشته و به دستاوردهای مهمی برای کاهش تاثیر تحریم های آمریکا و غرب دست یافته است.

### آران نیوز : گزارش و تحلیل

همانطور که آیت الله سید ابراهیم رئیسی پنجشنبه ، در دیدارهای دوجانبه با سران کشورهای این مجموعه در حاشیه برگزاری اجلاس اعلام کرد عضویت ایران در بریکس را موجب تقویت رویکردهای اصولی این گروه از جمله مخالفت با یکجانبه گرایی آمریکا دانست.

بدون شک عضویت ایران در بریکس منجر به تقویت همکاری های دوجانبه و چند جانبه وتوسعه همکاری ها در بسترهای مختلف اقتصادی وتقویت روند چندجانبه گرایی خواهد شد که این خود یک هدف اساسی است که همواره ایران از نظر سیاسی به دنبال آن بوده و امروز از طریق گفتگوهایی که رئیس جمهور ایران با سران این بلوک در حاشیه اجلاس ژوهانسبورگ واز متن بیانیه اجلاس شاهد آن هستیم، جایی که رئیس جمهور چین و همه رهبران دیگر مجموعه پذیرش عضویت ایران را تبریک گفتند و برای تقویت و گسترش تلاش های خود در زمینه های مختلف برای تقویت روند چندجانبه گرایی اعلام آمادگی نمودند.

در چارچوب جهت گیری و رویکرد سران مؤسس سازمان بریکس در مرحله فعلی به ویژه گسترش و پذیرش اعضای جدید و همچنین تدوین نقشه راه اقتصادی، تجاری و مالی برای این بلوک ، سپریل رامافوسا رئیس جمهور آفریقای جنوبی صبح روز پنجشنبه در آغاز نشست "بریکس پلاس" در کنفرانس خبری مشترک سران "بریکس" موافقت ۵ عضو اصلی این گروه با عضویت اصلی جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، اتیوپی و آرژانتین را اعلام کرد.

در ادامه رئیس جمهور برزیل، نخست وزیر هند، رئیس جمهور چین و رئیس جمهور روسیه که به شکل ویدئوکنفرانس در این نشست حضور داشت نیز در سخنانی با تاکید بر این موضوع، ورود اعضای جدید به بریکس را باعث رونق بیشتر این گروه و توان اثرگذاری بیشتر آن در نظم جهانی دانستند.

"ولادیمیر پوتین" نیز با اشاره به پذیرش اعضای جدید در بریکس به عنوان اولین مرحله از روند گسترش بلوک است تاکید کرد: به گسترش نفوذ بریکس در سراسر جهان ادامه خواهیم داد وافزود بریکس با کسی رقابت نمی کند و خود را مقابل کسی قرار نمی دهد. این بلوک مخالفانی دارد، کشورهایایی که تلاش می کنند سیستم قوانین بین الملل را بر اساس قوانین خودخواهانه خود جایگزین کنند.

قبل از اینکه به موضوع منفعت متقابل بین این بلوک جهانی و ایران بپردازم، لازم میدانم نکاتی را در باب محتوای سخنان رئیس جمهور روسیه در مورد استراتژی این بلوک و اینکه بریکس با کسی رقابت نمی کند و خود را مقابل کسی قرار نمی دهد ، بیان کنم تا ابهاماتی را که در ذهن برخی از افراد وجود دارد برطرف شود.

برای تحقق اهداف این بلوک دو عامل اصلی وجود دارد. اولین عامل، تلاش کشورهای جنوب جهانی برای برقراری یک نظم جهانی عادلانه تر با فرصت های بهتر بویژه برای توسعه اقتصادی در دوره آتی با توجه به شرایط بسیار دشوار اقتصادی جهانی با توجه به تداوم جنگ اوکراین و با توجه به پیچیدگی تلاش های بین المللی برای حل این بحران از یک سو و از سوی دیگر با توجه به سیاست های مالی آمریکا که دلار را به سلاحی تبدیل کرده که از آن علیه همه کسانی که از سیاست هایش که تنها منافع خود آمریکا را دنبال می کند پیروی نمی کنند یا سلطه وهژمونی ان را به چالش می کشانند ، استفاده می کند.

بر این اساس ما از سخنان رهبران بریکس و رئیس جمهور پوتین متوجه می شویم که هدف فعلی و در کوتاه مدت این گردهمایی پایان دادن به سلطه دلار بر نظام مبادلات مالی وبانکی جهانی یا پایان دادن به یکجانبه گرایی آمریکا در اداره امور جهانی نیست، بلکه بر این باورم که این مجموعه تلاش می کند آمریکا را وادار کند تا با در نظر گرفتن منافع دیگران هنگام انجام امور اقتصادی، سیاسی و امنیتی در جهان، عقلانی تر برخورد کند.

از زمان دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا، ایالات متحده شعار "اول آمریکا" و شعار "هرکس با من نیست برضد ماست" را مطرح کرده است.

سوالی که به شدت مطرح می شود: آیا این رهبران می توانند در وهله اول با توجه به چالش های فراوانی که وجود دارد، نظام جدید و موعود جهانی را ایجاد کنند؟

البته تحول بزرگی در موازنه جهانی انتظار نمی رود. اما بدون شک جهان بعد از این اجلاس مثل قبل از آن نخواهد بود. به این معنا که یک سیستم جدید در حال شکل گیری است و این بلوک رو به رشد با توجه به قابلیت ها و توانایی های اقتصادی، انسانی و تجاری خود که به آن کمک می کند تا مسیری را آغاز کند، یک نقش اساسی در ایجاد تعادل با گروه هفت صنعتی را ایفا خواهد نمود.

سران 40 کشور از کشورهای توسعه نیافته جنوب جهانی در این اجلاس شرکت کردند، بسیاری از آنها نظم جهانی به رهبری ایالات متحده را محکوم کرده و آن را به حاشیه راندن این کشورها و استفاده از دلار به عنوان سلاح برضد مخالفین سیاست های واشنگتن متهم می کنند بنابراین آیا در مرحله کنونی می توان با تکیه بر توانمندی های این کشورها این تحول بزرگ جهانی را ایجاد کرد؟ نکته دوم وقتی از گروه بریکس صحبت می کنیم، باید بپرسیم که آیا گروه بریکس یک سازمان اقتصادی، مالی یا سیاسی است؟

اگر بخواهیم به زبان سیاست به این سوال پاسخ دهیم، ممکن است برخی از ما این گروه را به گروه کشورهای غیرمتعهد تشبیه کنند که هدفهای سیاسی و اقتصادی زیادی را برای خود ترسیم نموده، اما نتوانسته است چیزی را در رویارویی با سلطه هژمونی امریکایی بویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد ارائه دهد.

علاوه بر این، طرح مسئله حذف دلار از مبادلات مالی و بانکی جهانی در کوتاه مدت به دلیل توانایی تاثیرگذاری دلار بر روی ارزهای محلی، ایده ای پخته به نظر نمی رسد. این امر مستلزم وجود یک نظام مالی و بانکی واحد برای گروه بریکس و نیز وجود اراده سیاسی در میان کشورهای این گروه برای خودداری از تعامل با دلار.

در رأس منتقدین دلار آمریکا، پوتین رئیس جمهور روسیه قرار دارد که در افتتاحیه اجلاس گفت که باید تلاش کنیم تا مبادلات خود را با دلار آمریکا حذف کنیم.

برخی از کارشناسان روسی می گویند: وقتی دلار را نقد می کنیم، در واقع سیاست خارجی آمریکا و برخی اقدامات اقتصادی آن را نقد می کنیم که شامل مداخله در کشورهای دیگر می شود و خود دلار موضوع انتقاد نیست زیرا مردم فعلا به ارزهای رایج محلی وضعیف نمی توانند اعتماد بکنند.

کارشناسان دیگری معتقدند دلار آمریکا در حال حاضر قابل اعتمادتر از یوان چین یا روبل روسیه است و می گویند ارزهای پایدار و قابل اعتماد دیگری مانند فرانک سوئیس وجود دارد، اما سوئیس کشور کوچکی است که ارز آن نمی تواند بارسنگین اقتصاد جهانی را به دوش بکشد، بنابراین مردم فعلا ترجیح می دهند به دلار تکیه کنند. و از آنجایی که در حال حاضر بیشتر مبادلات تجاری از طریق دلار انجام می شود، بنابراین کشورها اگر بخواهند در حال حاضر دلار را از معاملات تجاری حذف بکنند قدری با مشکل مواجه خواهند شد.

در مقابل این حمله به دلار آمریکا، خود آمریکایی ها از پول خود دفاع سیاسی می کنند و اکثر کشورهای بریکس را اقتدارگرا مستبد و سلطه گر معرفی می کنند. و می گویند ملت ها به حقوق و آزادی های لیبرال فردی احترام می گذارند، در حالی که واقعیت چیز دیگری است و اینکه تنها ارز سیاسی شده در جهان دلار است که آمریکا از آن به عنوان سلاحی علیه مردم و کشورهای می خواهدند تسلیم نفوذ، سلطه و اقتدار سیاسی واشنگتن شوند به طور وقیحانه استفاده می کند.

گروه بریکس اعلام می کند که در امور داخلی کشورها دخالت نمی کند و تنها به یکپارچگی اقتصادی اهمیت می دهد، اما اظهاراتی از سوی برخی مقامات این مجموعه می شنویم که آنچه آنها را متحد می کند مخالفت با غرب است و خواهان رویکرد دیگری هستند بدون آنکه مشخص شود منظورشان از واژه غرب چیست، آیا یک جغرافیا است و آیا مجموعه ای از ایده هایی مانند گسترش دموکراسی از طریق مداخله نظامی در کشورهای دیگر است؟

بنظرم چالش دیگری که این گروه با آن مواجه است، عدم وحدت مواضع سیاسی کشورهای هم گروه است. باید به فکر یافتن یک موضع سیاسی واحد از طریق یکپارچگی اقتصادی باشیم و این کار آسانی نیست و به زمان زیادی نیاز دارد.

مجموعه بریکس در تشریح نقش این بلوک در سطح سیاسی و اقتصادی با چالش های زیادی

مواجهه است، همچنین چالش های عمیقی در داخل وجود دارد، آنها با توجه به عدم رسیدن به وحدت نظر در خصوص مسائل جهانی از جمله جنگ اوکراین مسائل آب و هوا همچنین تجارت و یکسان سازی ارز چگونه می توانند این هژمونی غربی و قدرت دلار را بشکنند؟

اگر بخواهیم به بریکس به عنوان یک سازمان اقتصادی نگاه کنیم، این باعث می شود از زاویه دیگری به آن نگاه کنیم. این دیدگاه مهمتر است که می تواند مانع هرگونه تلاش آمریکا برای دفاع از دلار بشود. این دیدگاه فرصتهای مناسبتری برای رشد گسترش و تکامل خود را فراهم می کند تا این مجموعه بتواند صاحب نقش اول اقتصاد جهانی شود.

بریکس به عنوان یک ایده، نوعی آزمایش برای انواع مختلف جهانی شدن است، زیرا این پروژه در اصل مخالف جهانی شدن نیست، بلکه در جهتی دیگر قرار دارد، اما در چارچوب جهانی شدن باقی می ماند.

به هر حال، ظاهراً بریکس یک سازمان اقتصادی است، اما البته ملاک و مبنای پذیرش کشورها در این باشگاه این است که قسم بخورید که هرگز سعی در مداخله سیاسی و نظامی نخواهید داشت. البته پاسخ های متفاوت در مورد توصیف این بلوک باعث قوت آن می شود، اما به هر حال این اجلاس تلاشی برای انعکاس واقعیت های اقتصادی و جمعیتی که در طول هشتاد سال گذشته در جهان رخ داده است.

اکنون چین، روسیه، هند و تولید ناخالص داخلی کشورهای بریکس بیش از تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی شده است، اما این توسعه اقتصادی عظیمی که این کشورها شاهد آن بوده اند در ویژگی های جهانی شدن و حکمرانی سیاسی همچنین مسئله رشد وحشتناک جمعیت منعکس نشده است.

این گروه 40 درصد از جمعیت جهان، بیش از یک چهارم تولید ناخالص جهان، 17 درصد تجارت جهانی را تشکیل می دهد و حتی اگر نیمی از کشورهای متقاضی عضویت به آن بپیوندند، در بدترین برآوردها شاهد تولد غول جدیدی که کشورهایی متفاوت از کشورهای غربی که در دوره گذشته بر افسار جهانی تسلط داشتند شاهد خواهیم بود.

بنابراین، این یک تحول طبیعی است که آنچه این کشورها را متحد می کند بیش از آن چیزی که آنها را از همدیگر دور می سازد. و برخلاف آنچه که امروز غرب ترویج می دهد که قوام یافتن این مجموعه و تبدیل به یک سازمان جهانی منسجم با منافع مشترک و منافع متقابل بین کشورهای آن غیرممکن است اگر این تجمع با تمامی ظرفیت های خود برپا شود قطعاً یک تحول بزرگی را در توازن قدرت جهانی ایجاد خواهد کرد.

هیچ چیز بدی در رقابت، از جمله رقابت اقتصادی وجود ندارد. وقتی در مورد جمعیت و انتظارات جمعیتی در قرن بیست و یکم سؤال می کنیم، پاسخ هایی دریافت می کنیم که البته کشورهای جنوب از نظر جمعیتی رشد بیشتری خواهند داشت، این افراد مطمئناً نیاز به کار، خوردن و خرید کالا خواهند داشت.

گفته می شود موضوع واگرایی و تفاوت سطوح اقتصادها به نفع این بلوک نیست و این ممکن است کشورهای دیگر این گروه را زیر چتر اقتصاد چین قرار دهد، در حالی که در گروه هفت صنعتی اقتصادهای به هم دیگر نزدیکترند.

در پاسخ باید گفت این یک اغراق شدید غربی است برای از بین بردن این گروه نوظهور و ایجاد تردید و سردرگمی در مورد اهمیت آن و این موضوع در واقع به نفع هیچکس اعم از کشورهای غربی یا محافل عمدتاً آمریکایی نیست.

این جریان رو به صعود در صدد به چالش کشیدن غرب و آمریکا نیست، بلکه بیشتر در صدد اصلاح سیاست های غلطی است که ملل این کشورها از آن رنج می برند، اگر به بحران بدهی ها کمبود دلار در بسیاری از کشورهای عربی، که منجر به مشکلات بزرگ در وخامت زندگی بسیاری از مردم شده نگاه کنیم. و اگر به بحران جهانی غذا به دلیل تداوم بحران اوکراین و ناتوانی غرب در دستیابی به راه حل دیپلماتیک و سیاسی برای این بحران نگاه کنیم متوجه می شویم که این مجموعه نمی تواند برای آمریکا زیاد نگران کننده باشد بلکه این نوع نگاه یک نگاه جاهلانه است که به اهمیت گسترش این مجموعه توجه نمی کند.

غرب و ایالات متحده باید بطور مثبت با این تحول تعامل مثبت داشته باشند و باید در مورد سیاست های مالی، اقتصادی و نظامی در دو سال گذشته خود که چین را به عنوان یک دشمن و به عنوان یک رقیب اقتصادی استراتژی قرار داده بازنگری کنند.

جنگ با روسیه آشفتگی های شدیدی را در جهان ایجاد کرده که مردم جنوب آن را با توجه به تشدید بحران بدهی، تورم بالا، هزینه های بالای زندگی، ناامنی غذایی و سایر مصائب و مشکلات

دیگر، پرداخت می کنند. به نظر می رسد آمریکایی ها از این نکته غافل نیستند. در مورد اهمیت و منفعت متقابل ایران و بریکس همانطوریکه آقای ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران در اجلاس بریکس گفت مواهب عضویت ایران در بریکس تاریخ ساز خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران با حضور خود در بریکس گامی نو در جهت برقراری عدالت، اخلاق و صلح پایدار در جهان بین الملل را برداشته و آماده همکاری با آن در امر دلارزدایی و مشارکت در حوزه سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را در زمینه های نانو، پزشکی و سایر حوزه ها از جمله تامین منابع انرژی کشورهای بریکس را به سران مجموعه اعلام کرده. این رویداد برای تهران "بسیار ارزشمند" است، زیرا با عضویت در بریکس و سازمان های مشابه می تواند تحریم های آمریکا را دور بزند.